

دو فصلنامه علمی-ترویجی پژوهشنامه موعود

سال چهارم، شماره ۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۳

بررسی سیره رفتاری سردار سلیمانی در الگودهی در جامعه منتظر

حجت حیدری چراتی^۱؛ مرضیه عیوضی^۲

چکیده

«انتظار فعال و پیش‌برنده» در همه جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی، عامل رشد و اصلاح، مقاومت و پیشرفت، بیداری و حرکت و از مؤلفه‌های انقلاب‌آفرین و ریشه اصلی قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام است. برای جهت دادن و یافتن مسیر صحیح انتظار سازنده و پویا، به افرادی به کمال رسیده و دارای منش و رفتاری با فرهنگ اصیل اسلامی نیازمند هستیم. از این رو، مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و تکیه بر اطلاعات کتابخانه‌ای، به بررسی سیره رفتاری سردار سلیمانی در الگودهی جامعه منتظر پرداخته و اصول رفتاری فرهنگی و سیاسی ایشان را به عنوان الگوی مطلوب جامعه دینی و ارزشی مطالعه کرده است. نتیجه این نوشتار آن است که برای حرکت صحیح افراد جامعه به سمت جامعه آرمانی مهدوی به الگوهایی مؤثر، اصیل و منتظرانی واقعی و عمل‌گرا، همانند سردار قاسم سلیمانی نیازمند هستیم و به منظور تداوم مسیر کمال‌آفرین ایشان، لازم است جامعه نخبگان به آگاهی بخشی جمعی بپردازند.

واژگان کلیدی: غیبت، جامعه، الگوبرداری، الگو، منتظر، سردار سلیمانی.

۱. مدیر گروه پژوهشی نقد فرق انحرافی مرکز تخصصی مهدویت قم. hojatheidari@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد دانش اجتماعی مسلمین (دانشگاه تهران). me.eyvazi@yahoo.com

مقدمه

«انتظار»، یکی از مهم‌ترین و پرارزش‌ترین وظایف شیعه در عصر غیبت ولی عصر علیه السلام است. در جامعه منتظر، عموم ارتباطات و اقدامات مردم، بر اساس فرهنگ انتظار و آینده‌نگری دینی تعریف شده است و مردم در این جامعه برای تحقق اهداف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خود در تلاشند تا جامعه را در مسیر رسیدن به محوریت انتظار سازنده قرار دهند. در روایات مهدوی چنین تصریح شده است: «جامعه منتظر قبل از ظهور، جامعه‌ای است که مہیای ظهور امام عصر است و مهم‌ترین ویژگی آن، بلوغ اجتماعی می‌باشد.»^۱ جامعه منتظر، مجموعه‌ای است از جامعه‌ای ملی، منطقه‌ای و یا جهانی که نه تنها چشم به راه آینده موعود است، بلکه افراد منتظر در این جامعه در همان راه و مسیر گام برمی‌دارند و نه تنها به آن سمت گرایش و میل عمومی دارند، بلکه کنش‌ها و عملکردها و رویکردهایشان در همان سمت و سو قرار دارد. جامعه منتظر، نمونه و مدل کوچک‌تر جامعه موعود جهانی است که تحقق آن در تمام ادیان آسمانی وعده داده شده است.^۲ از این رو، یکی از راهکارهای نزدیک شدن به این هدف، پروراندن الگوی مناسب و پویاست که از نیازهای اساسی این‌گونه جوامع می‌باشد.

بر این اساس، احساس الگوخواهی فطری و درونی از یک سو و مشاهده سیر تکاملی به کمال رسیدگان از سوی دیگر، انسان را وا می‌دارد تا برای رسیدن سریع‌تر به کمال مطلوب، روش و سیره آن تکامل‌یافتگان را الگوی خویش قرار دهد و تلاشی آگاهانه و هدفدار برای هماهنگی و انسجام رفتاری با الگوی خویش در پیش گیرد. به طور کلی، روش الگویی، به عنوان تربیت عملی بر جان انسان‌ها می‌نشیند و در نفوس آن‌ها نفوذ می‌کند. الگوهای عقیده و عمل مردم، کسانی خواهند شد که کارگزاران و متخصصان این امر معرفی می‌کنند و کسانی خواهند بود که در

۱. سهرابی، مهدویت و فلسفه تاریخ، ص ۱۹۵.

۲. کارگر، چشم‌انداز جامعه منتظر در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای حفظه‌الله، ص ۶۴.

نهادینه کردن اهداف و برنامه‌های مورد نظر بایستی مورد توجه قرار گیرند؛ زیرا اگر الگوهای جامعه، انسان‌هایی ذی صلاح باشند، مردم در راه صواب خواهند افتاد.

حال، وسایلی که در مسیر رسیدن به رشد و ترقی یاری‌کننده انسان می‌باشد، الگوها و قهرمانانی هستند که مراحل از کمال و منزلگاه‌هایی از رشد را پیموده‌اند؛ چرا که با توجه به همسانی نسبی استعدادهای افراد مختلف، مردم جامعه می‌دانند زمینه دستیابی به آن مقامات و درجات وجود دارد، و می‌توانند قدم در راه بگذارند. قهرمانان مذهبی و ملی، جملگی الگوهای ابنای بشر می‌باشند که همانند پلکانی برای رشد، زمینه‌ساز پیشرفت کل جامعه می‌شوند.^۱ قهرمان در هر فرهنگ و نظام ارزشی، اسطوره عینی و مجسم آرمان‌های آن جامعه است. افراد در وجود قهرمانان، به دنبال جنبه‌های انسانی آرمان‌ها و اسطوره‌های خویشند و آن‌ها را مدل فرهنگی و الگوی رفتار و منش خود می‌شمرند. قهرمان یک ملت، ارزش‌های حاکم بر جامعه‌اش را در حد اعلا در خود پرورش داده و به تجسم نظام ارزشی جامعه تبدیل شده است.^۲

سردار قاسم سلیمانی، به عنوان یکی از قهرمانان و اسطوره‌های به نام این مرز و بوم است که با نهادینه کردن ارزش‌های اسلامی در وجود خود و خودسازی‌های معنوی توانست مرزها را بشکند و درجهان پرآوازه شود. انسان به عنوان فرد منتظر در جامعه دینی، به دنبال معرفی فاکتورهای بنیادی جامعه منتظر با نوع عملکرد رفتاری خود و نشان دادن الگویی محسوس اسلامی در عصر معاصر و نبود ظاهری امام معصوم؛ تصویری از بایسته‌های تبدیل افراد آزاده جهان به عناصری مؤثر بر وصل کردن دوران غیبت به عصر ظهور را ترسیم کرده است. در این نوشتار، به دنبال درک این مهم هستیم که چگونه شهید سلیمانی با نوع عملکرد خود توانست در ایجاد و شکوفاکردن استعدادهای درونی و به کار گرفتن امکانات بیرونی به الگویی همه جانبه در جامعه‌ای منتظر چه در عرصه معنویات و یا اخلاقیات، سیاست و اجتماع و یا در میدان‌های جنگ و مبارزه تبدیل شود. مقاله حاضر در پی پاسخگویی به برخی سؤالات است؛ از

۱. عباسی مقدم، نقش اسوه‌ها در تبلیغ و تربیت، ص ۵۹.

۲. همان، ص ۶۵.

جمله: ۱. چگونه سیره رفتاری سردار سلیمانی بر الگودهی جامعه منتظر مؤثر است؟ ۲. عوامل مؤثر بر ایجاد و رشد خصایص کمک‌کننده در رشد فردی چیست؟ ۳. چگونه شناساندن الگو و قهرمان برای ملت، به خصوص نسل جوان برای پیشبرد اهداف جامعه دارای اهمیت می‌باشد؟ ۴. برای تحقق جامعه منتظر نیازمند چه الگوهایی هستیم؟

این مقاله با روشی توصیفی - تحلیلی و توجه به اسناد و منابع دست اول و منابع مختلف با گردآوری کتابخانه‌ای درصدد پاسخگویی به سؤالات مذکور می‌باشد.

مطالعات مختلفی در زمینه الگوسازی و اهمیت تربیت در قشرهای مختلف جامعه صورت گرفته و مقالات و پژوهش‌های متعددی در این زمینه ملاحظه می‌شوند. همین‌طور چندین کتاب در زمینه زندگی نامه سردار سلیمانی بعد از شهادتشان به رشته تحریر درآمده است؛ اما مطلبی از منظر اسوه بودن سردار نگاشته نشده است. از جمله کتاب‌هایی که در اهمیت الگو به نگارش درآمده‌اند، کتاب «نقش اسوه‌ها در تبلیغ و تربیت»، نوشته مصطفی عباسی مقدم است که در سال ۱۳۷۱ و در سازمان تبلیغات اسلامی به چاپ رسیده است، کتاب حاضر در پانزده فصل، به اهمیت الگو از جنبه‌های مختلف پرداخته و به تفصیل آن را بازگو کرده است. همچنین کتاب «از چیزی نمی‌ترسیدم»، زندگینامه خودنوشت سردار سلیمانی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۷ به عنوان منبعی دست اول می‌باشد و می‌توان از سیره رفتاری ایشان به عنوان الگویی مستند برداشت کرد و دور از توصیفات دیگران استنباطی مستقیم از رفتارشان داشت. کتاب مذکور در سال ۱۳۹۹ توسط نشر مکتب حاج قاسم به چاپ رسیده است.

مفاهیم نظری

به منظور درک مفاهیم و کلمات به کار رفته در مقاله، برخی از کلمات را که دارای معانی متعددی هستند و نیز تعاریف آن واژه‌ها را اجمالاً بیان می‌کنیم؛ از جمله الگو، الگودهی، الگوبرداری.

الگو: این واژه در روانشناسی، جامعه‌شناسی و ارتباطات بسیار به کار می‌رود که علاوه بر معنای طرح و برنامه قابل اجرا و تکرار، به معنای نمونه انسانی ارزش‌ها و هنجارها و اخلاقیات می‌باشد.

«الگو، معنای مدل، گونه و هنجار از آن برمی‌آید، الگو چیزی است شکل گرفته در یک گروه اجتماعی، به این منظور که به عنوان راهنمای عمل در رفتارهای اجتماعی به کار آید»^۱.

الگو دهی: به معنای ارائه الگوهای مثبت و واقعی است؛ یعنی الگوهایی که در خارج تحقق یافته و قابل مشاهده‌اند و توجه به الگوهای مطلوب و بیان و توصیف ویژگی‌های آنان است.^۲

الگو برداری: بخش مهمی از آنچه فرد یاد می‌گیرد، از طریق تقلید یا الگو برداری به دست می‌آید. به گفته بندورا، یکی از نظریه پردازان یادگیری اجتماعی، نوعاً یادگیری انسان از راه مشاهده پیامدهای رفتار سرمشق یا الگو حاصل می‌شود و از آن جا که انسان به طور دائم در معرض تجارب گوناگون الگو برداری قرار می‌گیرد؛ می‌توان گفت: غالب اصول وقواعدی که رفتار انسان را هدایت می‌کنند، از چیزی شبیه الگو برداری انتزاعی به وجود می‌آیند.^۳ الگو برداری همواره به صورت تقلید نیست؛ در سن بالاتر و قدرت شناختی الگو پذیر، تقلید جای خود را به استنباط و انتخاب می‌دهد و نقش تجزیه و تحلیل و گزینش بر اساس آن، بیش تر می‌شود.^۴

نشانه‌های الگوی منتظر

«جامعه موعود»، جامعه مورد طلب انسان‌های پاک سرشت است که خدامحوری، عدالت، آرامش و صلح و امنیت از مؤلفه‌های بارز آن است و افراد چنین جامعه‌ای از نظر فکر و اندیشه و تفکر متعالی‌اند. ترسیم جامعه منتظر به الگوی تمام عیار جامعه اسلامی و مهدوی نیازمند است و در این زمینه باید در عرصه حاکمیت برنامه‌ها و قوانینی متناسب با تفکر مهدویت وضع و اجرا شوند.

از صدر اسلام، همواره موضوع مهدویت و ظهور امام زمان علیه السلام مطرح بوده که این مسئله در دوران قبل از انقلاب اسلامی بیش تر جنبه تئوری و نظریه پردازی داشته است و در صورت به

۱. بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ص ۲۶۰.

۲. نساجی زواره، روش‌های تربیت الگویی در کلام وحی و عترت، ص ۴۵.

۳. هرگنهان، مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، ص ۴۴۹.

۴. مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ص ۲۱۲.

وجود آمدن حکومت‌های مهدوی، نتوانستند در مجامع گسترده‌تری به معرفی و لزوم برقراری جامعه مهدوی موفق شوند و ماندگار بمانند. از این رو، در مقطعی از زمان بودند؛ اما به تاریخ پیوستند. بر این اساس، جامعه مهدوی به صورت عینی برای جوامع گذشته قابل ترسیم نبود و دنیا نیز در مقابل آن عکس‌العملی نشان نمی‌داد تا این‌که با به ثمر نشستن انقلاب اسلامی، به خصوص با استفاده از مهم‌ترین آموزه‌های مهدویت، از جمله داشتن انتظاری پویا و نظریه ولایت فقیه، با استفاده از مجراهای ارتباطی گسترده امروزی، وجود جامعه مهدوی را با راهکارهایی پویا به جهان معرفی کند و محوریت آموزه‌های اسلامی و تربیت نسلی نو با هدف زمینه‌سازی برای ظهور منجی، جامعه برای ماندگاری آرمان‌های اسلامی با دیدگاه انتظاری فعال و اثرگذار به وجود الگوهایی با بصیرت عمیق، شجاع، عمل‌گرا و همین‌طور مورد احترام و ارزشی برای قشرهای مختلف مردمی نیازمند بوده است. افرادی که دارای مؤلفه‌های خودسازی فردی و در عین حال، فعال اجتماعی هستند، نمونه‌های الگویی مناسبی برای معرفی جمعیت الگوپذیر هستند. از مثال‌های بارز آن که در سال‌های اخیر به مردم معرفی شدند و نشانگر افراد وظیفه‌نگر منتظر دوران غیبت هستند و در پی آمادگی روانی و روحی برای منتظر و زمینه‌ساز انتظاری فعال بوده‌اند، نیروهای مدافعان حرم، به خصوص متولی به وجود آورنده آن، حاج قاسم سلیمانی است که علاقه‌مندی به ایشان، در هر دسته از افراد جامعه به واسطه عمل به وظایف دینی در قلب‌ها نفوذ کرد و این علاقه‌مندی در روز تشییع و خاکسپاری ایشان مشهود بود. از نشانه‌های الگویی منتظر در این نوشتار به طور کلی می‌توان به زندگی جهادی حاج قاسم اشاره کرد که حتی با نبودنش، همه جا حضور داشته و نقشی از زمینه آمدن امام عصر علیه السلام را به تصویر کشیده است.

شهید سلیمانی در همه عرصه‌ها، از دفاع مقدس گرفته تا جبهه مقاومت و مبارزه با داعش و عوامل مستکبران جهانی، همواره به عنوان الگوی اصیل اسلامی در پیشبرد جامعه به سمت مهدویت و منتظر بودن سعی و تلاش داشته است.

۱. شاخصه‌های الگوی جامعه منتظر

۱-۱. گسترش ارزش‌های دینی

از دیدگاه اسلام، ارزش‌ها یک سلسله اصول کلی، ثابت و مطلق‌اند که تحت هیچ شرایطی تغییر نمی‌کنند؛ اما مصداق آن‌ها تغییرپذیر است. از این منظر، ملاک کلی ارزش اخلاقی، مصلحت عمومی فرد و جامعه و مصلحت واقعی انسان است؛ یعنی هر چیز که موجب کمال واقعی انسان است، نه چیزی که دلخواه افراد و مورد خوشایند آن‌هاست. البته اگر ملاک اصلی ارزش در اسلام، «کمال نهایی» باشد، مصداق آن قرب الهی است.^۱ از آن‌جا که یکی از مشخصات دوران ظهور، برپایی ارزش‌های اسلامی با تمام توان می‌باشد، می‌توان یکی از شاخصه‌های جامعه منتظر را برپایی این ارزش‌ها برشمرد. ارزش هنگامی مفهوم می‌یابد که الگوی رفتاری مشخص با وضع معیشتی معینی از دیدگاه فردی و یا جمعی، نسبت به الگو و وضعی دیگر، از برتری ویژه‌ای برخوردار باشد. بدین ترتیب، هر نظام ارزشی همواره دربرگیرنده بنیادی یا برجای باورهاست که الگوهای ویژه‌ای از رفتار یا اوضاع مشخصی از زندگی را شایسته متابعت و دارای اهمیت می‌شمارد.^۲ فرهنگ اسلامی نیز سلسله‌ای از باورها و ارزش‌ها و شیوه‌های رفتاری خاص شکل گرفته بر اساس آن باورها و ارزش‌ها شکل می‌گیرد؛ به دلیل خاستگاه اصلی خود، رنگ و روی دینی و روح و محتوای اسلامی یافته است؛ به گونه‌ای که اسلامیت، هرگز و در هیچ وضعیتی از نهاد آن جداشدنی نیست.^۳ در جامعه متعهد و ملتزم به دین، عامل دین و انگیزه‌های دینی می‌تواند خاستگاه فرهنگ و ارزش‌های آن جامعه باشد.^۴ در چنین جامعه‌ای، مبانی، اصول و ارزش‌های دینی آن‌چنان با فرهنگ عجین می‌گردد که ممکن است به پدیده عینیت دین، فرهنگ و ارزش‌ها بینجامد.^۵

۱. همان، تهاجم فرهنگی، ص ۵۶.

* Norman. 1975, p.4

۳. همان، ص ۱۰۲-۱۰۴.

۴. رهنمایی، آسیب شناسی فرهنگی، ص ۱۲۹.

۵. همان، مبانی ارزش‌ها، ص ۳۵.

ارزش‌ها، مهم‌ترین و اساسی‌ترین عامل در نظام اعتقادی و بازخوردهای انسان به شمار می‌آیند. وقتی فرد، ارزشی را پذیرفت، آن ارزش برای وی هدف می‌شود و در جهت‌گیری او نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند. از دیدگاه سردار سلیمانی نیز پاسداشت ارزش‌های دینی و گسترده شدن مبانی انقلاب و اسلام در بستر جهانی تحت سرسپردگی ولایت فقیه در دوران غیبت از اصول اصلی تفکراتشان بوده است؛ چنان که در وصیت نامه ایشان خطاب به علما و مراجع آمده است:

جمهوری اسلامی و ارزش‌ها و ولایت فقیه، میراث امام خمینی علیه السلام هستند و می‌بایست مورد حمایت جدی قرار گیرند. من، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای را خیلی مظلوم و تنها می‌بینم. او نیازمند همراهی و کمک شماست، و شما حضرات معظم، با بیانتان و دیدارهایتان و حمایت‌هایتان از ایشان، جامعه را جهت دهید.^۱

برای الگوشدن و ماندن در مسیر ارزش‌ها و پررنگ‌شدن اعتقادات و ارزش‌های دینی لازم است، وظیفه‌انگارانه تلاشی سخت داشت و برای دستیابی به تحقق آرمان‌ها و اهداف جامعه مهدوی، اخلاص‌مند زمینه‌ساز ظهور در دوران غیبت بود. سردار سلیمانی اسوه اخلاص در اجرای وظیفه و نگاهبانی از ارزش‌های اعتقادی و دینی بود و از هر آنچه خدشه‌ای برای رسیدن به رضایت ولی عصر علیه السلام می‌بود، پرهیز می‌کرد و نهادینه‌کردن این خصایص، نامی ماندگار از ایشان به جای گذاشت.

خبرش را از چند ماه قبل داده بود. وقتی پشت بلندگو ایستاد و در حالی که دست‌هایش را مقتدرانه تکان می‌داد، گفت: «تنها دوماه مانده تا پایان داعش». حالا وعده حاجی محقق شده بود... جشن این پیروزی را در حرم حضرت معصومه علیها السلام تدارک دیدیم. از حاجی هم دعوت کردیم بیاید. سه ساعت مانده بود مراسم شروع شود. داشتم این برنامه‌ها را با دفتر حاجی هماهنگ می‌کردم که زبانم یکهو باز شد به چیزی که نباید می‌گفتم: «از حاجی هم می‌خواهیم تقدیر کنیم.» همین یک جمله پای حاجی را برای

۱. شیرازی، شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی، ص ۷۱.

آمدن بست. برنامه را لغو کرد و نیامد. کس دیگری را جای خودش فرستاد. حاجی برای دفاع از حریم اهل بیت علیهم السلام تقدیر و تشکر نمی خواست؛ وظیفه اش می دانست.^۱

۱-۲. انتظار همراه با عمل

نشستن، سکون، دست رو دست گذاشتن، بی تفاوت بودن، قعود صرف و به زبان آوردن پیوسته واژه های تکراری، چیزی است که عامه افراد جامعه از انتظار می دانند؛ در حالی که این برداشت نه انتظار است و نه مقدمه ای برای آن. انتظار زمانی معنا پیدا می کند که علاوه بر معنای لغوی آن، با مجاهدت و عمل در رفتار انسان ها همراه باشد؛ نه این که در انتظار فقط نوعی حالت روحی و روانی داشته باشیم. امام صادق علیه السلام این معنا را چنین بیان فرموده است:

هر کس که خوشحال می شود از یاران قائم باشد، باید منتظر باشد و با پرهیزکاری و اخلاق نیکو عمل کند و با چنین حالتی منتظر باشد که هرگاه بمیرد و پس از مردنش قائم به پا خیزد، پاداش او همچون کسی خواهد بود که دوران حکومت آن حضرت را درک کرده باشد. پس بکوشید و منتظر باشید. گوارایتان باد ای گروه رحمت شده!^۲

البته باید توجه داشت، اگرچه در این روایت رعایت احکام شرعی مورد نظر بوده است؛ می خواهیم پرهیزکاری را به عملگرایی کلی که جزیی از اجرای احکام شرعی است تعمیم دهیم. مجاهدت های چهل ساله سردار، گواه بر نگرش پویا و عملگرایانه ایشان در میدان های مختلف بوده است؛ به طوری که گستره فعالیت ایشان به مرزهای ایران منحصر نبوده و به واسطه مطابقت حرف با عمل در منش ایشان، محبوبیت فرامرزی برای خود و نظام اسلامی به ارمغان آورده و دیدگاه منتظر بودن و ایجاد زمینه را برای ظهور معنایی دیگر داده است. سردار به تنهایی یک لشکر بود. مسعود بارزانی، رئیس اقلیم کردستان عراق می گوید:

۱. طهماسبی و همکاران، کلیپ تصویری موجود در آرشیو مؤسسه فرهنگی حماسه ۱۷ و سخنرانی شهید حاج قاسم سلیمانی در اجلاس جهانی روز مساجد، ص ۱۹۷.
۲. «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ فَإِنْ مَاتَ وَقَامَ الْقَائِمُ بَعْدَ كَانٍ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ فَجِدُوا وَانْتَظِرُوا هَنِيئًا لَكُمْ آيَتُهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ» (نعمانی، الغيبة، ۱۳۹۷، ص ۲۰۰).

همه می‌دانند که داعش به دروازه‌های اربیل رسیده بود و بیم آن می‌رفت که شهر هر آن (عن قریب) اشغال شود. من پس از حمله داعش با آمریکایی‌ها، ترک‌ها، انگلیس، فرانسه و حتی عربستان تماس گرفتم که همه مقامات این کشورها در جواب گفتند که فعلاً هیچ کمکی نمی‌توانند بکنند... فوراً با حاج قاسم تماس گرفتم و اوضاع را دقیقاً شرح دادم. حاج قاسم به من گفت: من فردا صبح، بعد از نماز صبح اربیل هستم. به او گفتم فردا دیر است، همین حالا بیایید. حاجی گفت: کاک مسعود فقط امشب شهر را نگه دار... در عرض چند ساعت ورق برگشت... ما بعدها یک فرمانده داعش را اسیر کردیم و از او پرسیدیم چگونه شد شما که در حال فتح اربیل بودید، به یکباره عقب نشستید؟! این اسیر داعشی به ما گفت: نفوذی‌های ما در اربیل به ما خبر دادند قاسم سلیمانی در اربیل است. لذا روحیه افراد ما به هم ریخت و عقب نشستیم.^۱

در انتظار منجی بودن لازم است در میدان باشی و اهل عمل؛ و صرفاً عقیده داشتن و اهل تفکر بودن نمی‌تواند این دوران را به پایانش نزدیک کند. نمونه‌های عملگرایی سردار بسیار است که در چند کتاب که در وصف دلاوری‌های ایشان به رشته تحریر درآمده، به تفصیل آمده است و در این مختصر، معرفی شخصیت الگوگونه و قهرمانانه ایشان نمی‌گنجد. توجه عمیق بر نوشتارها بیش از گذشته حسرت فقدانشان را به رخ می‌کشاند و مایه بسی افتخار برای ماست که چنین بزرگ‌مردی در میدان‌های عمل پیشرو زمینه‌سازی برای ظهور منجی را راهبری کرده است.

۲. شاخصه سیاسی

۱-۲. دخالت در سیاست

در تاریخ شیعه، انتظاری که اراده انسان بر آن مؤثر باشد، کم‌تر برای فعال‌سازی و تحرک سیاسی و اجتماعی شیعیان، استفاده شده است و عمدتاً به صورت رویکردی آرمان‌گرایانه در اذهان شیعیان، جای گرفت و نوعی بی‌اعتنایی به اوضاع و احوال سیاسی. اجتماعی پدید آورد و حتی این

۱. بنی‌لوحی، این مرد پایان ندارد؛ زندگی جهادی سرباز اسلام شهید قاسم سلیمانی، ص ۲۱۵.

نگرش تقویت می‌شد که هر نوع مبارزه و تلاش برای تشکیل حکومت در عصر غیبت، ممنوع است؛ اما امام خمینی علیه السلام معتقد بود که خود اندیشه انتظار فرج، واجد خصلت انقلابی و فعال جویانه است که این خصلت باید درصدد نفی ظلم و ستم برآید.^۱ در دید استراتژیک امام، مفهوم غیبت، منتظر را به انزوا نمی‌کشاند و او را از مسئولیت‌های اجتماعی نمی‌رهاند. همه رفتارها و همه مواضع امام، حول محور خدا و معنویت دور می‌زد. امام خمینی در بیان ارتباط معنویت و سیاست، نظر اسلام را مبنا و روح و اساس کار خود قرار داده بود و باور داشت در تمام ارکان برنامه‌ریزی قدرت سیاسی باید دین و دنیا با هم رابطه داشته باشند. نگرش سردار نیز برگرفته از تفکر استاد و رهبرش، امام خمینی است که در ۲۱ فروردین ۱۳۴۳ فرمودند: «والله اسلام تمامش سیاست است. اسلام را بد معرفی کرده‌اند. سیاست مُدُن، از اسلام سرچشمه می‌گیرد.»^۲ در چنین رویکردی، عصر غیبت نیز به معنای عصری نیست که از انسان مسئولیت اجتماعی را سلب کند، بلکه به معنای مسئولیت مردم در تعیین سرنوشت، ایمان به رهبری، زندگی معنوی و اجتماعی خود و تعیین رهبری است که بتواند، جانشین رهبری امام عصر علیه السلام باشد. افرادی همچون سردار سلیمانی برای پیشبرد اهداف عالی اسلامی همواره در تمام عرصه‌هایی که نیازمند قدرت‌نمایی شیعیان و اثبات سیاسی بوده است، حضور داشته‌اند و با درک قلبی و عقلانی به دفاع از نظام اسلامی، به ویژه نماد نظریه امام خمینی علیه السلام یعنی «ولایت فقیه» به عنوان سردمدار انتظار سیاسی در عصر غیبت می‌پرداخت. سردار با تبعیت از ولایت فقیه، اصول صحیح رفتار سیاسی را به نمایش می‌گذاشت و در جمع رزمندگان و پیشکسوتان دفاع مقدس استان کرمان این‌گونه می‌گوید:

ما امروز هرچه داریم از آن انقلاب و امام علیه السلام است و این عزت عمومی را مدیون خط امام و استمرار راه و خط امام توسط مقام معظم رهبری هستیم. ثروتی گرانقدر از ثروت رهبری وجود ندارد و این ثروت با هیچ ثروتی قابل مقایسه نیست. در کشور نباید کلامی بر خلاف سیاست‌ها و منویات مقام معظم رهبری گفته شود و اگر هم گفته شود و اعتراضی صورت

۱. ر.ک: آل نبی، انقلاب اسلامی آغاز ظهور یا زمینه ساز ظهور، ۱۳۹۶

۲. شیرازی، شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی، ص ۵۰.

نگیرد در گناه آن سهیم هستیم. وظیفه ما این است صف ضدانقلاب را تفکیک کنیم. امروز ضد انقلاب وارد این خیمه شده است. ما باید ضدانقلاب را بشناسیم. با تفکیک خودی از غیر خودی با همین صداها و حرکات است. به حرف‌ها و دغدغه‌های رهبری عزیز توجه کنیم. این که می‌فرمایند جذب حداکثری و دفع حداقلی، توجه کنیم...^۱

در جایی دیگر می‌گوید:

«امام حوزه‌های علمیه را از عزلت‌نشینی خارج و وارد سیاست کرد و همچنین نظمی فولادین را پایه ریزی کرد و لذا مسیر روحانیت را تغییر داد و این تنها مربوط به روحانیت اسلام نبود و برای روحانیت مسیحیت نیز کلمات بلیغی را مطرح کردند.^۲»

بر این اساس، از منظر سردار فرد منتظر دفاع از ولایت فقیه، که یکی از ارکان مهم سیاسی در دوران غیبت می‌باشد و صریح‌تر، اطاعت از ولی فقیه و حمایت از ایشان، نه به عنوان مسئله‌ای شخصی، بلکه، مسئله‌ای سیاسی - دینی در این دوران می‌باشد و وظیفه منتظران واقعی توجه عمیق و آگاهانه به این موضوع می‌باشد. از این رو، سردار در هر فرصتی از ولایت فقیه، به عنوان رکن اصلی برای رسیدن به جامعه مهدوی و ظهور ولی عصر^ع دفاع کرده و در این میدان، همچون سپری نفوذناپذیر و منتظری واقعی به وظیفه خود عمل می‌کرد و به واسطه مقبولیت جمعی و الگوبرداری از سکنات ایشان، به عنوان فردی صالح به نهادینه کردن آن در جامعه می‌پرداخت.

۲-۲. وحدت و انسجام

نظم و انسجام و یکدستی در زندگی و کار، از ارزش‌های انسانی و از جمله رموز کامیابی است. انسان‌های موفق برنامه دارند و بر اساس اصول مشخص، حرکت می‌کنند. انقلاب‌های رهایی بخش و سازمان یافته، کم‌تر با شکست روبه رو می‌شوند. انسجام بایستی شاخصه اساسی جامعه منتظر باشد. امیر مؤمنان، علی^ع اصحاب امام زمان^ع را این‌گونه می‌ستاید: «قلب‌های‌شان

۱. گروه فرهنگی تقدیر، سردار دل‌ها (خاطرات و زندگی شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی)، ص ۸۲.

۲. همان، ص ۸۳.

همانند آهن فولادین است که اگر اراده کنند کوهی را از جا برکنند، می‌توانند. زی و هیأت و لباسی یکسان دارند؛ گویا پدرشان یکی بوده است.^۱ یکی از ابزار ولوازم تشکیل حکومت الاهی، ایجاد وحدت، همدلی بین مسلمانان در سراسر جهان است و یکی از مؤلفه‌های اصلی تحقق آن، جهانی بودن می‌باشد. یکی از بایستگی‌های امروز جامعه اسلامی و حتی جامعه بشری رسیدن به انسجام، وحدت و همدلی است که آموزه مهدویت از ظرفیت‌ها و توانایی‌های فراوانی برای این وحدت و انسجام بخشی برخوردار است. این انتظار در مکتب اسلام رنگ و بوی جدی‌تر و اطمینان بخش‌تری دارد و قدر مشترک همه اندیشه‌ها و مکاتب اسلامی است. همچنین نیاز به تشکیل حکومت واحد جهانی و رفع مشکلات و سختی‌های جامعه و تسریع در رسیدن به جامعه آرمانی دین، یکی دیگر از ظرفیت‌های اساسی مهدویت در وحدت بخشی است. حضرت ولی عصر^{علیه السلام} می‌فرمایند: «اگر شیعیان ما - که خداوند آنان را به اطاعت خویش موقّق گرداند - در وفای به عهد الاهی همدل و هم پیمان می‌شدند، سعادت دیدار ما از آنان به تأخیر نمی‌افتاد.»^۲ راهبرد جامعه اسلامی زمینه‌ساز ظهور در دوران غیبت، وحدت و انسجام است و دیدگاه افراد بابصیرتی همانند سردار سلیمانی در میدان، پیشرونده در به وقوع پیوستن حادثه بزرگی است که ملت‌ها و مستضعفان جهانی منتظر آنند. سردار تصمیم می‌گیرد با نگاه جهانی و وحدت‌بخش، بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان راه‌اندازی کند و این نگاه در پرتو آموزه‌های امام خمینی بوده است که می‌فرمایند: «امروز، جهان تشنه فرهنگ اسلام و ناب محمدی است و مسلمانان، در یک تشکیلات بزرگ اسلامی، رونق و زرق و برق کاخ‌های سفید و سرخ را از بین خواهند برد.»^۳ در به وجود آمدن غائله منحوس داعش، مجاهدت و پیروزی‌ها، مرهون برپایی وحدت و انسجام و ایجاد روحیه خودباوری بین گروه‌های مختلف نظامی بود که سرچشمه آن فکر سردار سلیمانی

۱. «قلوبهم مثل زبر الحديد لو هموا بازله الجبال لازالوها عن موضعها. الذي واحد و اللباس واحد كما آباؤهم اب واحد» (کورانی،

معجم احادیث الامام المهدی، ص ۹۴).

۲. «وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ، عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيُمْنُ بِلِقَائِنَا».

۳. شیرازی، شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی، ص ۹۸.

بود. به واسطه فکر ایشان حزب الله تقویت شد، حشدالشعبی به وجود آمد، فاطمیون و زینبیون و حیدریون و لشکر امام حسین علیه السلام ایجاد شد، دفاع وطنی سوریه رونق گرفت و از درون آن‌ها حماسه‌های بزرگ آفریده شد. آقای متکی، وزیر اسبق امور خارجه ایران می‌گوید:

برای نخستین بار در تاریخ اسلام، حاج قاسم مبدع طرحی شد که بحث دفاع از حرم را بین‌المللی کند، و ما دیدیم که یکباره فاطمیون، زینبیون، علویون از کشورهای مختلف، هرکدام بیرقی از اهل بیت را در دست گرفته و به دفاع از اهل بیت، در جبهه عراق جنگیدند و عنصر مقاومت، به عنوان اکسیری در کالبد منطقه گسترش یافت.^۱

سردار ورای نگاه به یک کشور و منطقه با گسترش دیدگاه خود در سطح جهان، الگویی کم‌نظیر برای تمام مسئولان، چه در عرصه نظامی و یا غیر آن می‌باشند که اینان می‌توانند با به‌کار گرفتن تمام پتانسیل‌ها و امکانات به سمت جهانی متحد و منسجم برای مقابله با مفسد و جنگ‌افروزی‌های دشمنان باشند و با عملکرد مثبت خود قدمی بلندتر به سمت تحقق ظهور حضرت صاحب‌الزمان بردارند و مظلومان و مستضعفان را از یوغ ستمکاران نجات بخشند؛ همان‌گونه که سردار سلیمانی زمینه این اتحاد را ایجاد کرد.

۳. شاخصه‌های فرهنگی

اسوه و الگو بودن اسلامی در جامعه‌ای که منتظر منجی و عدالت‌گستری در جهان است؛ مستلزم آن است که چندین شاخصه را در نظر گرفت؛ از جمله توجه به شناخت الگو، خودسازی شخصیتی الگو و همت برای هدایت جامعه به سمت صلاح و نیکی و اهمیت مبارزه با مناسبات فساد از لحاظ فکری و فرهنگی؛ زیرا برای ساختن و پروراندن نسلی پویا و کوشا در زمینه سازی جامعه‌ای پر تلاش و آماده برای تجلی حکومت جهانی منجی، به زدودن انحرافات و مفسد نیازمند هستیم و سردمداران این عرصه خود به عنوان پیشرو و الگو هستند. تلاش برای احیای ارزش‌های دینی در کنار مبارزه با فساد و انتظار همراه با عمل توسط سرمشق‌های مورد اعتماد

۱. همان، ص ۹۹.

افراد جامعه در اعتلای فرهنگ اصیل اسلامی پیش‌رونده به سوی تحقق جامعه مهدوی امری اجتناب‌ناپذیر است. سردار سلیمانی نیز برای ساختن و جامعه عمل پوشاندن به اهداف والای مهدوی، حدود چهل سال در میدان‌های مختلف، مقتدرانه ایستادگی کرد و با توجه به اخلاص در کردار و رفتار و منش، به شدت در قلب‌ها نفوذ کرد؛ به طوری که امروزه شاهد محبوبیت ایشان در میان قشرهای متفاوت در سنین گوناگون و در بستر جهانی هستیم.

۳-۱. شناخت الگو

تمایل به پیروی از دیگران، در کسب رفتارها که این تمایل، از جنبه‌های روانی افراد است؛ به مسئله الگوها مرتبط می‌باشد. افراد به دلیل همین تمایلات روانی به الگوها توجه دارند و سعی می‌کنند رفتار و کردار و منش و حتی گفتار الگوها را سرمشق قرار دهند. الگوها محل توجه و اعتنای فراوان افراد هستند و با توجه به مراتبی که هر یک دارد، از اهمیت بیش‌تر یا کم‌تری نسبت به یکدیگر برخوردار است که در یک مورد خاص از رفتار یا در زمینه‌های متعدد رفتاری نمونه دیگران است. هر کس یا هر چیز را که قدری شایسته الگوبودن باشد و یا چنین نشان دهد، به الگویی برمی‌گزینند.^۱ انسان‌ها دارای نیازها و ابعاد گوناگونی هستند که ارائه بهترین الگو در هر زمینه می‌تواند به تحقق فرهنگ مطلوب که در این جستار رسیدن به جامعه منتظر و زمینه‌ساز ظهور است، کمک کند. گاه نیاز است که الگوهای پسندیده معرفی شوند تا هم فرصت سنجش برای افراد فراهم آید و هم کسانی که از تشخیص سره از ناسره ناتوان هستند، این امکان را بیابند تا با معیاری درست و کامل در مسیر صحیح گام بردارند. خداوند در قرآن به عنوان برنامه زندگی سعادت‌مند انسان‌ها، دو نوع الگو: «عام» (به معنای قابلیت تعمیم به موضوعات و رفتار در افراد متفاوت و با سلیق مختلف) و «خاص» (به معنای قابلیت تعمیم در وضعیتی خاص و نمونه‌ای) را معرفی می‌کند که عبارتند از: ۱. برای نمونه الگوی عام می‌توان آیه ۲۱ سوره احزاب را عنوان کرد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را نمونه اسوه حسنه و جامع الگوهای بشری

۱. عباسی‌مقدم، نقش اسوه‌ها در تبلیغ و تربیت، ص ۷۱.

برای تمام ادوار و افرادی با ایمان راستین معرفی کرده است؛ ۲. در نمونه برای الگوی خاص، در سوره یوسف آیه ۱۱۱، حضرت یوسف^۱ را الگویی معرفی می‌کند که برای ما به تعبیری می‌تواند تمثیلی از دوران غیبت ولی عصر باشد؛ زیرا با غیبت حضرت یوسف از دیدگان حضرت یعقوب، الگویی از فرد منتظر را به تصویر می‌کشد. همچنین در آیاتی دیگر، مثل سوره تحریم آیات ۱۱ و ۱۲، حضرت آسیه و حضرت مریم^۲ را الگویی شایسته می‌شناساند.^۳ حال این که در دوران غیبت، علاوه بر الگوهای قرآنی، افرادی در این دوران با تبعیت از گذشتگان نیک سرشت در زمان نبود ظاهری امام معصوم علیه السلام می‌توانند آئینه‌ای از انسان‌های کامل باشند. با نظر به همین الگوهای موردی و تطبیق رفتاری آن‌ها با افرادی در دوره معاصر، می‌توان الگوهای نزدیک‌تر به نسل معاصر، عناصری چون سردار سلیمانی را معرفی کرد. انسان‌ها برای این که به شخصیت درست و سالم دست یابند و در مسیر کمالی و رشد، حرکت کنند، باید الگوهای مناسبی را دارا باشند. این جاست که فرهنگ سازی از راه الگوسازی می‌تواند نقش خود را به خوبی ایفا کند.

سردار سلیمانی نیز برای تبدیل شدن به الگوی اسلامی و آمادگی برای تأثیر بر پیشبرد جامعه منتظر به سمت تحقق آرمان‌های مهدوی، لازم بود از همان ابتدای رشد و پرورش در محیطی با آموزه دینی باشد تا با نهادینه شدن اندیشه‌های دینی و اصیل در فکر و جانش آئینه رفتاری مناسبی برای الگوبرداری باشد. سردار از روزهای سخت کودکی و در عین حال، مأنوس بودن با روضه سیدالشهدا این‌گونه می‌گوید:

۱. «لقد كان في قصصهم عبرة لاولى الالباب»؛ به راستی که در بیان داستان ایشان، برای صاحبان اندیشه، عبرت کامل خواهد بود» (یوسف: ۱۱۱).

۲. «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا امْرَأَتِ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَخِنْتِي مِثْلِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَ مَرْيَمَ ابْنَتِ آلِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا...»؛ و باز خدا برای مومنان؛ [آسیه] زن فرعون را مثل آورد هنگامی که [از شوهر کافرش بی‌زاری جست و] گفت: خدایا! [من از قصر فرعون و عزت دنیوی گذشتم] تو خانه‌ای در بهشت برای من بنا کن و مرا از شر فرعون کافر و کردارش و از قوم ستمکار نجات بخش و مریم دختر عمران را که عفاف و پاکدامنی ورزید...» (تحریم: ۱۱ و ۱۲).

۳. مصباح یزدی، جامی از زلال کوثر، ص ۷۷.

سیدمحمد آمده بود. سید روضه می خواند. سالی سه تا چهارماه خانه ما می ماند. بهترین غذا مال او بود؛ پدر و مادرم خیلی به او احترام می کردند... همیشه در خانه ما مهمان بود...^۱ پدرم اهل نماز بود. شاید در آن وقت چند نفر نماز می خواندند؛ اما پدرم به شدت تقید به نماز اول وقت داشت. نماز صبح را از روی ستاره و نماز ظهر را از روی سایه تشخیص می داد... به حلال و حرام همین گونه بود. همه اهل عشیره مان او را به درستی می شناختند. زکات مالش را، چه در گندم و جو و چه در گوسفندها، به موقع به سیدمحمد می داد... رفتار پدرم و مادرم و توجه آن ها به این مسائل، مارا بدون دانستن حقیقت و دین و اصول و فروع آن، علاقه مند به دین کرده بود.^۲

سردار سلیمانی با پرورش یافتن در چنین خانواده ای، با زمینه و بستر مذهبی توانست جانش را تقویت کند و در هر دوره از زندگی پر برکتش با برگزیدن الگوهایی شایسته، چراغ مسیر هدایت را پیش روی خود روشن کند و با ادامه و بسط خودسازی درونی به الگویی شایسته و مکتب ساز در جهت آموزه های اهل بیت علیهم السلام و اثرگذار در دوران غیبت تبدیل شود.

۳-۲. خودسازی در بستر جامعه

خودسازی فردی و اجتماعی سردار سلیمانی به دلیل آثار فکری و ارزشی که در بُن فکری افراد جامعه می گذارد و برای هدایت اندیشه در جای جای زندگی گروه های مختلف قابل تأمل می باشد. برای اصلاح رفتاری افراد و تلاش برای بالابردن ظرفیت ها و استعداد های فردی، به خصوص در بین افرادی که به عنوان الگو در جامعه مورد توجه و الگوبرداری تیپ های شخصیتی متفاوت هستند؛ جزو ضرورت های ایشان به شمار می رود. بالابردن مهارت و تجربه و دانش و معنویت و به دست آوردن بصیرت اجتماعی، تخصص حرفه ای و سلامت جسمی؛ همه مصداق خودسازی است. کسانی که اخلاق و اخلاص و سلامت نفس را در حد مطلوب دارا هستند؛ ولی توانایی اداره حتی یک حرکت اجتماعی را ندارند و نمی توانند از خود اثر خدمت مناسبی ارائه کنند؛ نیروهای

۱. سلیمانی، از چیزی نمی ترسیدم؛ زندگی نامه خودنوشت قاسم سلیمانی از ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۷، ص ۳۴ و ۳۷.

۲. همان، ص ۳۷-۳۸.

شایسته‌ای برای پیشبرد اهداف اسلام نیستند. از سوی دیگر، کسانی که واجد همت‌های بزرگ هستند و با سخت کوشی و تلاش، دانش و مهارت و کارایی خود را بالا برده، لیاقت پذیرفتن مسئولیت‌های سنگین اجتماعی را کسب کرده‌اند؛ ولی در بند هوا و هوس هستند و از ایمان و اخلاق و انسانیت کم بهره‌اند نیز نمی‌توانند رضایت کامل امام عصر علیه السلام را تأمین کنند.^۱ تلاش به منظور تهذیب نفس و صفای روح و جان، دلیلی اساسی بر لطافت و معنویت درونی است و با قوت و نیرو بخشیدن درونی، به تبع آن می‌توان در زندگی اجتماعی اصلاحات مهمی را برای تعالی روح جامعه به ثمر نشانند. سردار از همان نوجوانی و جوانی علاوه بر اهتمام بر فریضه واجب و جلای روح و روان و اعتقادات دینی به ورزش و بر سلامت جسم نیز توجه داشت. ایشان می‌گوید:

صدای اذان بلند شد. از دوران کودکی نماز می‌خواندم؛ اگر چه خیلی از قواعد آن را درست نمی‌دانستم. صدای نماز پدرم یادم است... نماز خواندم. به یاد زیارت «سید خوشنام، پیر خوشنام» دهمان افتادم. از او طلب کردم و نذر کردم: اگر کار خوبی گیرم آمد، یک کله قند داخل زیارت بگذارم...» بعد از مدتی، شروع به ورزش کردم، اول به گود زورخانه عطایی رفتم. بعد هم به زورخانه جهان... همه از من بزرگ‌تر بودند، اولین کلاس کاراته در کرمان، برای اولین بار، توسط مرحوم وزیر تاسیس شد. من جزو جوان‌هایی بودم که وارد شدم. سر جمع سی نفر بودیم. کمر بند سبز را پشت سر گذاشتم. در بین این دو ورزش، هفته‌ای دو روز هم وزنه‌برداری و زیبایی اندام کار می‌کردم.^۲

۳-۳. مبارزه با فساد فکری و فرهنگی

مبارزه با انحرافات اخلاقی، اجتماعی و کاهش میزان جرائم و پلیدی‌ها، و افزایش روحیه خیرخواهی و تعاون و صداقت و پاکی، یکی از آرمان‌های بزرگ و جدی رهبران سیاسی، اجتماعی و مذهبی بوده و هست. انسان در اجتماع و فرهنگ سالم نیز، زبونی و زشتی و مطرود بودن عناصر پلید را شاهد است و عزت و محبوبیت عناصر پاک را می‌بیند و با توجه به طبیعت

۱. گرچه در مواردی می‌توان لیاقت آنان را به خدمت اهداف دین گرفت و البته با نظارت بر آنان، از مفاسدشان در امان بود.

۲. سلیمانی، از چیزی نمی‌ترسیدم؛ زندگی‌نامه خودنوشت قاسم سلیمانی از ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۷، ص ۴۶ و ۵۲.

الگویابی و قهرمان جویی خود، عشق پاکان و نفرت بدان در جانش نفوذ و لذا سعی می‌کند با الگو گرفتن از رفتار و منش پاکان و یکتاشدن با آن‌ها به کمالات ایشان نایل آید. این موضوع به طور حتم عامل دوری از برخی انحرافات خواهد بود.^۱ برای قرار دادن انسان‌ها در مسیر رشد و یا برای جلوگیری از کجروی‌ها و انحرافات، مفیدترین و سازنده‌ترین اقدام را زمانی انجام داده‌ایم که قلب و اندیشه گروه بدکار و بداندیش را واکاوی کنیم و مظاهر پلیدی را از درون آن بگیریم و آن‌گاه الگوهای پاک و صالح و اندیشه‌های تابناک و صائب را در کانون جانانشان جایگزین کنیم.^۲ به رغم فساد فرهنگی که در جامعه پیش از انقلاب وجود داشت، راهکارهای مختلفی برای مقابله با آن نیز بوده که هر فردی به واسطه نوع اندیشه و برداشت رفتاری از الگوهای خود می‌توانست از به دام افتادن در این ورطه خود را نجات دهد؛ از جمله سردار چنین اشاره می‌کند: «ورزش و اعتقاد به ودیعه^۳ گذاشته دینی از پدر و مادرم، باعث شد به رغم شدت فساد در جامعه؛ اما به سمت فساد نروم. حرف‌های حاج محمد و آقاسیدمجتبی تأثیر زیادی بر من گذاشت.^۴» انجام فعالیت‌های متنوع در هر میدانی با تفکر متناسب با همان عرصه و وسعت دیدگاه سردار سلیمانی از او فردی مؤثر ساخت که توجه بسیاری از طیف‌های فکری را جلب کرد و مدل عملکردی ایشان، دلیلی بر جلوگیری از به وقوع پیوستن بسیاری از محرمات و فسادها شد؛ زیرا سردار سلیمانی خود الگوی مبارزه با فساد جهانی و جذب حداکثری نیرو برای آماده‌سازی زمینه ظهور ولی عصر^ع بودند. در همین زمینه، سردار با سعه صدر با برخی از گرایش‌های افراد جامعه در دسته‌های سیاسی و یا اجتماعی و یا با دیدگاه‌های فرهنگی، که در بعضی موارد با موازین اسلامی مخالف بوده‌اند، دیدار داشته و بدین ترتیب از به وجود آمدن عناد و غرض‌ورزی علیه اسلام و جامعه مهدوی که نوعی از فساد درونی است، مبارزه می‌کردند. برای نمونه:

۱. عباسی مقدم، نقش اسوه‌ها در تبلیغ و تربیت، ص ۱۷۰.

۲. ق. واثقی، امام، الگوی امت، بی‌تا، ص ۱۰۱.

۳. امانت، این جا امانت الاهی مورد نظر است.

۴. سلیمانی، از چیزی نمی‌ترسیدم؛ زندگی‌نامه خودنوشت قاسم سلیمانی از ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۷، ص ۵۳.

مشتاق می‌رفت در دل مردم. با همه دم‌خور می‌شد. احوال این را می‌پرسید، گره کار آن را باز می‌کرد. با یکی سلفی می‌گرفت به یکی هدیه می‌داد. نه به تیپ و قیافه نگاه می‌کرد نه به گرایش سیاسی طرف گلایه داشت. از آن‌هایی که خطاکش می‌گذارند و مردم را دسته‌بندی می‌کنند. صریح و بی‌پرده درد دلش را گفت: این که در جامعه مدام بگوییم این بی‌حجاب، این باحجاب، این این‌جوریه، اون اون‌جوریه، این چپه، این راسته، این اصلاح‌طلبه، این اصول‌گراست. خب چه کسی را می‌خواهید حفظ کنید؟ آقا همه این‌ها مردم ما هستند. همه بچه‌های شما متدینند؟ همه نماز شب خوان هستند؟ نه! هرکسی ادعا بکند همه یکی هستند، اشتباه می‌کند. خب، پدر خانواده در این جور مواقع چه کار می‌کند؟ پدر همه این‌ها را جذب می‌کند....

یک جای دیگر هم گفته بود:

همون دختر کم‌حجاب دختر منه، دختر ما و شماست. نه دختر خاص من و شما؛ اما جامعه ماست... بعد از شهادتش دخترهای حاجی آمده بودند برای تشییع؛ همه دخترهایش، باحجاب و کم‌حجاب. بغض در گلویشان، نم چشم‌هایشان حرف‌ها داشتند. می‌گفتند: انگار که پدرمون رو از دست دادیم. عکس سردار رو گرفته بودند توی دستشان. می‌گفتند: به عشق این مرد آمده ایم. به عشق سردار دل‌ها، به عشق حاجی که امنیتمون رو مدیونش هستیم.^۱

سردار را به حق می‌توان الگویی ملی یاد کرد که با رفتار و گفتار خود در افکار و دل‌های افراد جامعه وارد شد و بدون توجه به گرایش‌های متنوع همه را پذیرفت و به مثابه فردی منتظر و دلسوز در پی هدایت افراد بسیاری به جبهه ولی عصر علیه السلام کوشا بود.

۱. طهماسبی، کلیپ تصویری موجود در آرشیو مؤسسه فرهنگی حماسه ۱۷/ سخنرانی شهید حاج قاسم سلیمانی در اجلاس جهانی روز مساجد، ص ۲۲۳.

نتیجه گیری

جامعه منتظر دارای جمیع خصایصی است که بتواند سکان آن را به سمت صلاح و پیروزی برد؛ از جمله رعایت ورع و اخلاق اسلامی، لیاقت درک حضور امام، غلبه بر هر نوع از تردیدها و تزلزلها، تلاشهای مجاهدانه، حراست از دیانت و ارزشهای معنوی، هوشیار در برابر فتنهها، تهدیدها و آشوبهای دشمنان، یکپارچه و دارای وحدت و انسجام و همدلی و به طور کلی، جامعه منتظر جامعه‌ای آینده‌نگر است و با چشم‌اندازهای فرهنگی و سیاسی خود را جامعه آرمانی عصر ظهور قرار می‌دهد و زمینه ساز عصر ظهور و حکومت موعود و مهدوی است. در چنین بستری افرادی مانند سردار قاسم سلیمانی با تاسی از پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام و حرکت در مسیر پاسداشت از ارزشها، خود به الگویی همه جانبه و تأثیرگذار بر جانهای افراد جامعه تبدیل می‌شود. از نوشتار حاضر این نتایج را شاهد هستیم:

۱. قهرمان در هر فرهنگ و نظام ارزشی، الگوی عینی و مجسم آرمانهای آن جامعه است. افراد برای پیدا کردن الگو و تطبیق مدل فرهنگی و رفتار و منش خود، با الگوهای مورد نظرشان به دنبال ارزشها و آرمانهای قهرمانان خود هستند؛ زیرا قهرمان و الگوی شاخص هر ملت، ارزشهای حاکم بر جامعه‌اش را در بهترین حالت در خود پرورانده و مجسمه‌ای از نظام ارزشی فرهنگ اصیل خود شده است. سردار سلیمانی اگر توانست الگوی فردی منتظر و عملگرا در عصر غیبت و در عین حال محبوب در بین سلیقه‌های مختلف فکری باشد؛ به آن معناست که ارزشهای دینی، اجتماعی و فرهنگی حقیقت‌جویان را در خود تحقق بخشیده است؛ و لذا مجموعه‌ای از ارزشها و آرمانهای متعالی است.

۲. الگوی اسلامی بودن، یعنی جمیع فضایل اخلاقی و آگاهی‌ها و مهارت‌های فردی و اجتماعی مختلف داشتن است. چند بُعدی بودن، در تمام رفتار و سکنات سردار سلیمانی موج می‌زد. هنگام جنگ و رزم بی‌باکانه در خط مقدم جبهه‌ها بر دل دشمن می‌تاخت و نامش لرزه بر پیکره منحوس دشمن می‌افکند و در زمان دیدار با خانواده شهدا و بازماندگان ایشان، خاکسارانه و متواضعانه در خدمت آنها بود.

۳. اسوه اسلامی بودن، به دلیل متخلق بودن به صفات متنوع از منظر اول، نوعی تضاد و تعارض را به رخ تماشاگران می‌کشد؛ اما فردی که الگویی چند بُعدی (از حیث شاخصه‌های اجتماعی و فرهنگی و سیاسی) برای افراد جامعه می‌شود، با ایجاد هماهنگی میان صفات خود، شخصیت خویش را به منظومه‌ای فکری و اخلاقی تبدیل می‌کند که گویا میان اجزا هیچ تعارضی وجود ندارد. به عبارت دیگر، هر چه دایره صفات نیکو و فضایل الگوی اصیل اسلامی گسترده‌تر باشد، شعاع نفوذ و تأثیر او نیز وسیع‌تر خواهد بود و اسوه‌ای که جامع کمالات است و انسان‌های طالب کمال را بیش از دیگران جذب و هدایت می‌کند.

۴. در این میان، جامعه نخبگان که معرفی‌کننده افراد آگاه در جامعه هستند، خود موظف‌اند همچون سردار سلیمانی که الگو و شاخصی مکتب‌ساز برای زمینه‌سازی ظهور حضرت ولی عصر^{علیه السلام} از فرهنگی اصیل و اسلامی بود، منتظری فعال و با بصیرت و آگاه در دوران غیبت باشند و منش منتظران واقعی و مخلص را با ثبت آثار و نوشتن کردار و در نهایت عمل کردن به گفتارشان به نسل‌های آینده منتقل کنند و تداوم بخش راه ایشان باشند.

منابع

۱. آل نبی، سید محسن، انقلاب اسلامی آغاز ظهور یا زمینه ساز ظهور، گنجینه معارف، مشهد ۱۳۹۶.
۲. بنی لوحی، سیدعلی، این مرد پایان ندارد؛ زندگی جهادی سرباز اسلام شهید قاسم سلیمانی، انتشارات راه بهشت، چاپ هجدهم، تهران، آذر ۱۳۹۹.
۳. بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، مترجم: باقرساروخانی، نشر کیهان، چاپ چهارم، تهران ۱۳۸۰.
۴. رهنمایی، سیداحمد، مبانی ارزش‌ها، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهش‌شکده تحقیق و توسعه علوم انسانی؛ مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم ۱۳۹۶.
۵. رهنمایی، سیداحمد، آسیب‌شناسی فرهنگی، مجله معرفت، شماره ۳۱، آذر و دی ۱۳۷۸.
۶. سلیمانی، قاسم، از چیزی نمی‌ترسیدم؛ زندگی‌نامه خودنوشت قاسم سلیمانی از ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۷، نشر مکتب حاج قاسم، تهران، زمستان ۱۳۹۹.
۷. سهرابی، فرامرز، مهدویت و فلسفه تاریخ، آینده روشن، قم ۱۳۹۸.
۸. شیرازی، علی، شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی، ناشر: خط مقدم، چاپ سی و یکم، قم ۱۳۹۹.
۹. طهماسبی، عالمه؛ موسوی، لیلا؛ قربانی، مهدی، سلیمانی عزیز؛ کلیپ تصویری موجود در آرشیو مؤسسه فرهنگی حماسه ۱۱۷/ سخنرانی شهید حاج قاسم سلیمانی در اجلاس جهانی روز مساجد، ناشر: حماسه یاران، چاپ دوازدهم، تهران، تابستان ۱۳۹۹.
۱۰. عباسی‌مقدم، مصطفی، نقش اسوه‌ها در تبلیغ و تربیت، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، قم، زمستان ۱۳۷۱.
۱۱. ق. واثقی، امام، الگوی امت، کتاب‌فروشی امیری، بی‌تا.
۱۲. کارگر، رحیم، چشم‌انداز جامعه منتظر در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای حفظه‌الله، دوفصلنامه علمی-تخصصی جامعه مهدوی، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹.
۱۳. کورانی، علی، معجم احادیث الامام المهدی، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم ۱۴۱۱.
۱۴. گروه فرهنگی تقدیر، سردار دلها؛ (خاطرات و زندگی شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی)، انتشارات تقدیر، اصفهان ۱۳۹۹.
۱۵. مصباح یزدی، محمد تقی، پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی، ناشر: مؤسسه امام خمینی، قم، ۱۳۷۶.

۱۶. _____، تهاجم فرهنگی، مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۷۶.
۱۷. _____، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، قم، ۱۳۹۱.
۱۸. _____، جامی از زلال کوثر، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۵.
۱۹. مفیدی، فرخنده، نقش الگودهی معلم در جریان تعلیم و تربیت کودکان دوره ابتدایی، مجموعه مقالات دومین سمپوزیم جایگاه تربیت در آموزش و پرورش دوره ابتدایی، انتشارات تربیت، تهران، ۱۳۷۲.
۲۰. نساجی زواره، اسماعیل، روش‌های تربیت الگویی در کلام وحی و عترت، مکتب اسلام، شماره ۱۱، ۱۳۸۴.
۲۱. نعمانی، محمد، الغیبه، ناشر: مکتبه الصدوق، محل انتشار: تهران، ۱۳۹۷.
۲۲. هرگنهان، بی، آر، و همکاران، مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، ترجمه علی‌اکبر سیف، نشر دانا، تهران، ۱۳۷۴.